



یادداشت روز

چشمان موساد و سیا را

کور کنید

۱- در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران بارها بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود تأکید کرده و حتی فتوای رهبر معظم انقلاب را به‌عنوان سندی شرعی و رسمی برای حرام بودن تولید سلاح هسته‌ای پیش چشم جهانیان گذاشته است، باز هم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تکرار سناریوهای خنثی‌ما قدیمی ادامه می‌دهد. گزارش‌های بی‌پایه و جنجال‌آفرین‌های سیاسی که همواره خوراک تبلیغاتی آمریکا، رژیم

صهیونیستی و ترونیکی اروپا را فراهم کرده است.
۲- جناب آقای «مسئول‌بنفاتی» سخنگوی محترم وزارت امور خارجه روز گذشته در بخشی از نشست خبری هفتگی با خبرنگاران اظهار داشت: «ما کارکان طرف موافقتنامه‌های پادمان هستهیی و قرار است شیوه‌نامه جدید با آژانس تعریف کنیم، تا توجه به مصوبه مجلس سینییم که چگونه می‌توانیم همکاری‌ها را ادامه دهیم و ظرف دو هفته آینده یکی از مقامات آژانس به ایران سفر می‌کند».

فقط! وزارت امور خارجه و مجموعه دولت، در خصوص همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بنابر قانون مصوب مجلس عمل خواهند کرد و درباره آن تردیدی نیست. اما مسئله اصلی و البته نگران‌کننده، کارنامه سبیه‌ا مردمی در موضوع هسته‌ای ایران است. این کارنامه فضاحت‌بار می‌طلبد که روند تعاملات با آژانس همراه با بیشترین احتیاط و نگاه‌ا کملا بدینبنانه انجام شود.

در حقیقت، آنچه در این میان نگران‌کننده است، نه تصمیم دولت برای همکاری با آژانس، بلکه سابقه سیاه و غیرقابل اعتماد این نهاد است؛ نه‌ادی که به‌جای ایفای نقش بیطرف فتنه و فتنی، بارها به ابزار جاسوسی و عملیات روانی علیه کشورمان تبدیل شده است.

تردیدی نیست که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس اساسنامه‌اش موظف به پایش فعالیت‌های هسته‌ای کشورها در چارچوب توافقات پادمانی است. اما تجربه ایران در دو دهه اخیر، نشان می‌دهد که این پایانه‌ها از مسیر اصلی خود منحرف شده و به بستری برای جمع‌آوری اطلاعات امنیتی و علمی بدل شده‌اند.

۳- «چک کارنی» سخنگوی وقت کاسفید در سال ۲۰۱۲ در یک کنفرانس خبری آشکارا گفت: «ما چشم‌م داریم و می‌توانیم برنامه ایران را زیر نظر بگیریم.» و وقتی از او پرسیده شد که منظورش از «چشم» چیست؟ پاسخ داد: «بازرسان آژانس» به‌عبارتی، کاخ سفید خود ادعا‌ن دارد که بازرسان آژانس، بازوی اطلاعاتی غرب در داخل خاک ایران هستند.

۴- در یک نمونه دیگر، «جاسواورن» استاد دانشگاه و نویسنده وابسته به اندیشکده تارکیت، در سخنرانی در حضور بازرسان آژانس در ایران یاد کرده و گفته بود: «این حضور فرصتی طلایی برای کسب اطلاعات از دیگر حوزه‌های علمی و صنعتی ایران نیز هست». چنین اظهارنظرهایی به‌وضوح نشان می‌دهد که هدف، نظارت بر غنی‌سازی اورانیوم نیست، بلکه نقیض علمی، صنعتی و حتی دفاعی است.

۵- «رافائل گروسسی» مدیرکل فعلی آژانس، از ابتدای تصدی‌اش مسیر یک‌طرفه و آشکاره، فرانسه و انگلیس و رژیم صهیونیستی را جلب کند. او بارها بدون اطلاع به درازخانه‌های رژیم صهیونیستی و تهدیدات واقعی موجود، تمام تمرکز خود را بر روی برنامه هسته‌ای ایران قرار داده است.

تخلیلهای دیپلماتیک معتقدند که گروسسی چشم به دبیرکلی سازمان ملل دوخته است و می‌داند که برای رسیدن به این هدف، باید نظر مساعد آمریکا، فرانسه، انگلیس و رژیم صهیونیستی را جلب کند. از همین روست که در اظهارنظرها و کارزارهایش، کوچک‌ترین انتقادی از اسرائیل دیده‌نم‌شود، در حالی که حتی شایعات بی‌پایه درباره ایران، فوراً وارد گزارش‌ها و رسانه‌های می‌شود.

۶- «گرو گناهی» «یوکیو کائو» مدیرکل پیشین آژانس، از نگاه بسیاری از ناظران، طبیعی نبود. آمانو گرچه گاه با فشارهای غربی همراه می‌شد، اما در موارد متعددی نیز در برابر زاده‌خواهی‌ها مقاومت می‌کرد. احتمالاً «یوکیو یوزوک» او برای تسهیل راه‌م‌دیرکل شدن گروسسی، سال‌هاست محل بحث رسانه‌های مستقل و نهادهای ضدجنگ است. گروسسی نیز خیلی‌روزد نشان داد که انتخاب او، برای انجام یک مأموریت خاص بوده و آن چیزی نبود جز بازطراحی آژانس به نفع آمریکا، رژیم صهیونیستی و ترونیکی اروپایی.

۷- رفتار دو گانه گروسسی در قبال حملات هسته‌ای، عمق بحران بی‌طرفی در آژانس را نشان می‌دهد. زمانی که نیروگاه ژاپوزیوا بر اوکرین هدف قرار گرفت، گروسسی با صدور بیانیه‌ای تند، روسیه را محکوم کرد. اما در برابر حملات اخیر آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران و شهادت دانشمندان کشورمان، سکوت کرد و حتی اقدام جانتیکارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی را «قابل درک» داناست. این دوگانگی، نشان می‌دهد که هدفغه آژانس، نه ایمنی هسته‌ای، بلکه تأمین منابع معور غربی – عبری است.

۸- یکی از تزارهای تارکیت و برگ‌ان‌کننده کارنامه آژانس، مشارکت غیرمستقیم در ترورد دانشمندان ایرانی است. «سکات ریتز» بازرس سازمان ملل و تخلیلهگر امنیتی آمریکایی، اخیراً در مصاحبه‌ای با «پرس تی‌وی» صراحتاً گروسی را مسئول خون‌شدهای هسته‌ای ایران داناست. به گفته او، اطلاعات حساس فنی و مکانی که از طریق بازرس‌های آژانس به‌دست آمد، مستقیماً در عملیات ترور نخبگان ایرانی مورد استفاده قرار گرفت.

۹- اقتشاس‌گری‌های جدید نشان می‌دهد که سیستم نرم‌افزاری «موزایک» (MOSAIC) ساخت شرکت آمریکایی «لایت‌سیر» سال‌هاست که در نظر عملیات نظارتی آژانس در ایران فعال است. به اساس گزارش پایگاه خبری «کوپریدل» این نرم‌افزار جاسوسی که در دولت ایواما به‌صورت خزنده در برجام گنجانده‌شده، نه تنها داده‌های مربوط به بازرس‌ها، بلکه تصاویر، اسامی، حسگرها و اطلاعات ترورساتی را به‌صورت آنلاین ثبت و تحلیل و استخراج می‌کند. داده‌هایی که دست‌آخر در اختیار دشمنان ایران قرار می‌گیرد.

۱۰- علاوه بر این، ماجرای کشف ریزتارشه در کشش یکی از بازرسان آژانس، قابل تأمل است. به گفته یکی از نمایندگان مجلس، در جریان بازرس‌ا از یکی از تأسیسات هسته‌ای، سیستم‌های کنترلی نسبت به یک تارزه مشکوک هشدار دادند و پس از بررسی مشخص شد که در کشش تارزه، یک ریزتارشه آمریکایی و رژیم صهیونیستی قرار شده بود. اتفاقی که نه تنها نقش فاش‌ش پورتکل‌های بازرسی محسوب می‌شود، بلکه گواه روشنی بر جاسوس‌سازی نهادهای غربی در قالب مأموریت‌های بین‌المللی است. ۱۱- رسانه آمریکایی «کریژون» اخیراً گزارش داده‌است که دانشمندان کرده که بر اساس آن، «نیکلاس لانگنیم» جاسوس که‌نگار کار سازمان اطلاعاتی لانگنیم (MIF) به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نفوذ کرده است. به ادعای این رسانه، لانگنیم در سال‌های اخیر نقش کلیدی در طراحی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران داشته و اکنون با پوششی تخصصی، در قلب آژانس فعالیت می‌کند. این انسان، پیش از پیش‌مستله سیاسی‌کاری و نفوذ سرورجی‌های جاسوسی در آژانس، از اتباع بی‌گناه است. ۱۲- آنچه بیش از همه مشهود است، این است که آژانس از یک مدل نظارتی فنی، به نهادهای امنیتی- تبلیغاتی علیه ایران تبدیل شده است. گزارش می‌کند که چندبار بر زرادخانه‌های اسرائیل بسته، هم‌دست غرب ارائه گزارش‌های ناقص، جهت‌دار و بدون مدرک مستدل، هم‌دست غرب در فشارها بر ایران شده است. به عنوان نمونه، گزارش اخیر آژانس در خرداد ماه که ایران را در پیوند سنده متهم به «فعالیت هسته‌ای مشکوک در دهه ۲۰۰۰» کرد، مستقیماً بهانه حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران را فراهم کرد.

در سایه تجربه‌های تلخ دو دهه اخیر، اکنون دیگر برای هیچ‌کس تردیدی بقی نمانده‌ای که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به‌جای ایفای نقش بی‌طرفانه و تخصصی، به ابزاری در خدمت پروژه‌های اطلاعاتی و فشار سیاسی غرب بدل شده است. نفوذ عناصر امنیتی، گزارش‌های مغرضانه، جاسوسی در پوشش بازرس‌ا و انتقال اطلاعات حساس به دشمنان ملت ایران، تنها بخشی از واقعیت تارکیت این نهاد است. به موجب قانون «لازم دولت به تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» که مورد مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۴ است، دولت مکلف است هرگونه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پادمان مبتنی بر آن، تا حصول تضمین امنیتی تأسیسات هسته‌ای ایران به حالت تعلیق درآورد. وقتی آژانس عملاً نقش چشمان آمریکا و رژیم صهیونیستی را ایفا می‌کند، ایران هم باید عزم خود را جزم کرده و چشمان موساد و سیا را گور کند.

مسعود اکبری

وزیر امور خارجه در واکنش

به تهدیدات مقامات آمریکایی
تصریح کرد: اگر تجاوز تکرار شود، بدون تردید واکنشی قاطع تر نشان خواهیم داد، واکنشی که دیگر امکان پنهان کردنش وجود نخواهد داشت. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه روز دوشنبه ششم مردامده در واکنش به تهدیدات مقامات آمریکایی نسبت به تکرار تجاوزی دیگر هشدار داد و تصریح کرد:اگر تجاوز تکرار شود، واکنشی قاطع تر نشان خواهیم داد که دیگر امکان پنهان کردنش وجود نخواهد داشت.

به گزارش فارس، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا باز هم درباره غنی‌سازی در ایران اظهارنظر کرد و گفت: «ایران ضربه سختی خورد، و اما هم به دلایل کاملاً موجه، اما با این حال هنوز درباره غنی‌سازی صحبت می‌کنند، چه کسی چنین کاری می‌کند؟ چقدر ممکن است کسی نادان باشد که چنین حرفی بزند؟ بنابراین ما اجازه نمی‌دهیم چنین چیزی اتفاق بیفتد».

می‌دانیم چه بر سر ما و دشمنانمان آمده
سیدعباس عراقچی در همین ارتباط

وکیل خانواده‌های شهدای مدافع حرم
گفت: دادگاه بین‌الملل تهران پس از بررسی‌های دقیق و روندی دوساله، دولت آمریکا را به پرداخت ۴۸ میلیارد و ۶۲۰ میلیون دلار خسارات به‌نفع خانواده‌های شهدا محکوم کرد.

به گزارش تسنیم، حمیدرضا

شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی در گزارشی به تشریح آخرین وضعیت شهرک‌نشینان یخی‌خانمناس صهیونیستی پس از حملات موسیقی ایران به هدف که در سرزمین‌های اشغالی پرداخته است.

نبرد ۱۲روزه ایران و رژیم صهیونیستی در شرایطی با آتش‌پس میان طرفین همراه شد که میزان خسارات مستقیم وارده به صهیونیست‌ها در طول این نبرد کوتاه دو برابر مجموع خسارت ۲۲ ماه جنگ این رژیم در غزه بود.

آقای مهاجرانی!
مردم شریف کلبه می‌های CIA و M۱6 کجا؟
«اگر می‌خواهید از پایدردی مردم در دفاع از کشور و نظام شتد کنید، راحت است: اول نظارت استصوابی را برچینید و دوم زندانیان سیاسی را آزاد کنید»!

اول مطلب را عطاالله مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی در روزنامه ایران نوشت و افزود: «سرانجام صدام حسین و قذافی و خاندان اسد و خاندان پهلوی و نظام شوروی، به دلیل سنگین بودن وزن سیاست زندگی مردم بود. مردم در دفاع به خیابان نیامدند. ما در ایران و در نظام جمهوری اسلامی می‌بایست از این پنج سرنوشت عبرت بگیریم.

مردم ایران به‌رم همه نارسایی‌ها، ناترازی‌ها، از‌دگی‌ها و توطئه بسیار سنگین سالیان متمادی جنگ روانی برای چنا کردن آنان از نظام... که به عنوان استراتژی آمریکا و اسرائیل و اروپا و همه‌پیمانان، سال‌هاست پیگیری می‌شود، به‌گونه‌ای در میدان دفاع از کشور و بالطبع نظام حضور پیدا کردند که جرئت همگان از دوست و دشمن و تحسین ناظران را برانگیخت. آینه‌تاله خنمانه در سپاسگزاری از مردم این تعبیر «هزار بار تشکر» استفاده کردند. بسیار خیر، این حضور وایست یکی از دستاوردهایش تجدیدنظر منطقی و اندیشیده و سنجیده در برخی راهبردها، سیاست‌ها و کاهش وزن سنگین سیاست باشد. مردم بایستی نشانه‌هایی را ببینند که مطلقاً برای نظام هزینه‌ای بربر ندارد، بلکه برعکس تداوم او شیوه‌ها خسارت‌بار و هزینه‌افزاینده است. به دو مورد متخص در کاهش سنگینی وزن سیاست اشاره می‌کنم.

یکم:نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری و خبرگان، پس به‌گونه‌ای که اعمال شده است: قایل دفاع فنی است. دوم: برپه منتقدان، حتی اگر زبان زنر و تندی هم داشته باشند، که دارند، اما می‌دانیم که افراد مستقل و دلسوزی هستند. جای اینان در زندان نیست. آنان که به هر ترتیب حرفشان را می‌زنند، چنان‌ا نگه‌داشتن آنان در زندان پرایشان اعتبار و مشروعیت واقعی تداوم ناخواسته ایجاد کنیم که نشان به نقد نظر و برای آرای «پروابط»؟ باید از نویسنده این متن پرسید که قدرشناسی از پایدردی مردم، چه ربطی به برداشتن نظارت انتظامی از آزاد کردن مجرمانی دارد که بعضی از آنها مرتکب وطن‌فرشی قطعی شده‌اند!

اما مهاجرانی در موقعیتی از مجرمیت ایستاده که کسی باید شفاعت خود او را بکند، نه اینکه با وجود سوابق قوی‌اش، خیات، تازه هوشیار نسخه هم بپیچد. وزیر ارشاد دولت خاتمی، اواخر مسئولیت ادا کرد از سیاست تکرار می‌کرد: او مدعی شد آمدنش به میدان سیاست، به خاطر شیر درازگوشی بوده که به او خرورده‌اند، «سیاست در کام من در این می‌سایلی، علم طمیر درازگوش می‌دهد که چراعه‌های آن را در دهه اول عمر نوشیدم»ام و بی‌زنی کولی و طالع‌بین در جام جراح‌نماي چشمشان کیودش انگار مثل پیژرنی که نقش خشت خام را می‌خواند، از پیشانی‌ای خواند که وکیل و وزیر می‌شوم»

سیاسی، مباحثی درباره اختلاف‌خواندگی وی سر زبان‌ها افتاد و مدتی بعد، خبر آمد که مهاجرانی در لندن اقامت گزیده است. امکانات مالی گسترده و تأمین هزینه‌های مسکن... موجب شد تا مدای جاسوس کارکنشاهی مثل نوریزاده درایید که مهاجرانی، بدون کمک چگونه می‌تواند در لندن اقامت کند؟ مدتی بعد، لندن درخواست مهاجرانی از سفارت موساد برای ابر بورس کرد. پسرش منتشر شد. دولت عربستان، آذرماه ۱۳۹۱ موسسه‌ا را در وین تحت عنوان «مركز گفتگوی ادیان» با پرداخت سالانه ۱۵میلیون یورو تاسیس کرد که سال ۱۳۸۸، هنگامی که فتنه سبز طبق نقشه آمریکا، انگلیس و اسرائیل رخ داد، مهاجرانی به سیاست برگشت، اما این‌بار به مراتب افراطی‌تر. او «اتاق فکر جنبش شمس در خارج کشور» را در لندن را با حضور سروش، کدیور، بازرگان و گنجی تشکیل داد.

مهاجرانی این روز به خدمت سبز طبق نقشه آمریکا درآمده بود که با دروغ بزرگ تقلب، و برای آشوب شروع علیه رای ۲۴/۵ میلیون مردم (در مقابل رای ۱۱میلیونی ناصحان اصلاح‌طلبان) به خط شده بودند. حتی خاتمی هم بارها به دروغ بودن ادعای تقلب اتان کرد، اما بر مبنای همان دروغ، خسارات سیاسی و امنیتی و اقتصادی بزرگی به کشور وارد آمد. سردرمان‌ده فتنه، هر کدام در این جنایت بزرگ سهم داشتند.

فردی با این مختصات طبیعتاً باید محاکمه و مجازات شود، نه اینکه در روزنامه دولتی ایران دست به قلم شود و خواستار آزادی مجرمان امنیتی و حذف نظارت بر انتخابات شود.

منظور این طیف از حذف نظارت استصوابی چیست؟ مگر نه اینکه از خاتمی و موسوی و معین تا روحانی و همتی و پزشکان در گود انتخابات حاضر بوده‌اند و برخی از همین‌ها هزینه‌های هنگفتی به کشور تحمیل کرده‌اند؟! دنبال کدام گزینه بوده‌اند که توبر نگرده باشند؟

مردم در جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی پایدردی کرده و در مقابل جنگ ترکیبی برای آزادسازی ایستادند. این مردم شریف و شجاع و باغشور و پاک سیاست‌بازانی که در اتواع فتنه‌ها، مَهره بازی CIA و موساد و M۱۶ شدند، کجا!

هشدار عراقچی به آمریکایی‌ها:

اگر تجاوز تکرار شود

طوری پاسخ می‌دهیم که نتوانید پنهان کنید

بود و با اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده کار می‌کند.

هرگز به زبان تهدید و ارباب پاسخ نخواهد داد، دعوان کرد:د ایرانیان هرگز در برابر بیگانگان سر خم نکرده‌اند و تنها به احترام پاسخ می‌دهند.

وزیر خارجه با اشاره به تجاوز نظامی

آمریکایی‌هایی علیه ایران با همراهی آمریکا افزود: ایران دقیقاً می‌داند در جریان تجاوز اخیر آمریکایی- اسرائیلی چه بر سر ما و چه بر سر دشمنانمان آمده است، از جمله میزان ضرباتی که هنوز سانسور می‌شوند.

رئیس دستگاه دیپلماسی که پیش‌از این نیز نسبت به هرگونه ماجراجویی با سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی هشدار داده بود، امشب به صراحت اعلام کرد:اگر این تجاوز تکرار شود،بیون تردید واکنشی قاطع تر نشان خواهیم داد، واکنشی که دیگر امکان پنهان کردنش وجود نخواهد داشت.

عراقچی با اشاره به نیازهای ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای خاطر نشان کرد: پیش از آن که میلیون ایرانی به رادیوایزوتوپ‌های پزشکی نیاز دارند که توسط راکتور تحقیقاتی تهران تولید می‌شود، راکتوری که آمریکا سازنده آن کند

محکومیت ۴۸ میلیارد دلاری آمریکا به‌نفع خانواده‌های شهدای مدافع حرم

بین‌المللی پاسخگو نبوده‌اند. حمدی با اشاره به احضار افراد حقیقی و حقوقی اظهار داشت: صورت‌های حقوقی ایران پرورده، گفت: از دولت آمریکا وزارت دفاع این کشور، سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) و حتی رؤسای جمهور سابق آمریکا از جمله دونالد ترامپ و رئیس‌جمهور فعلی، با ابلاغ قانونی برای حضور در دادگاه دعوت به‌عمل آمد، در این جنایت نیز هیچ‌کد در محام

شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل:

۴۱۶۵۱ ساختمان، خودرو و تجهیزات در حملات موسکی ایران آسیب دیده است

است که می‌تواند حجم خسارات را بالاآز اعلام کند. به گزارش تسنیم، با پایان جنگ اخیر، حدود ۴۱۶۵۱۱۵۱ خسارت به شرکتهای بیمه سیزم‌های اشغالی ارائه شد. از بین این‌ها ۲۲۲۴۵ خسارت برای خسارت به ساختمان، ۴۱۱۹۱ ثبت شکایات برای خسارت به اتومبیل و ۴۴۵۶ ثبت شکایات برای خسارت به وسایل و تجهیزات بوده است. در این گزارش ویدئوی اثر و حجم خسارت وارده به برخی از شهرک‌نشینان صهیونیست به نمایش درآمده است.

است که می‌تواند حجم خسارات را بالاآز اعلام کند. به گزارش تسنیم، با پایان جنگ اخیر، حدود ۴۱۶۵۱۱۵۱ خسارت به شرکتهای بیمه سیزم‌های اشغالی ارائه شد. از بین این‌ها ۲۲۲۴۵ خسارت برای خسارت به ساختمان، ۴۱۱۹۱ ثبت شکایات برای خسارت به اتومبیل و ۴۴۵۶ ثبت شکایات برای خسارت به وسایل و تجهیزات بوده است. در این گزارش ویدئوی اثر و حجم خسارت وارده به برخی از شهرک‌نشینان صهیونیست به نمایش درآمده است.

آقای مهاجرانی!

مردم شریف کلبه می‌های CIA و M۱6 کجا؟
«اگر می‌خواهید از پایدردی مردم در دفاع از کشور و نظام شتد کنید، راحت است: اول نظارت استصوابی را برچینید و دوم زندانیان سیاسی را آزاد کنید»!

اول مطلب را عطاالله مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی در روزنامه ایران نوشت و افزود: «سرانجام صدام حسین و قذافی و خاندان اسد و خاندان پهلوی و نظام شوروی، به دلیل سنگین بودن وزن سیاست زندگی مردم بود. مردم در دفاع به خیابان نیامدند. ما در ایران و در نظام جمهوری اسلامی می‌بایست از این پنج سرنوشت عبرت بگیریم.

مردم ایران به‌رم همه نارسایی‌ها، ناترازی‌ها، از‌دگی‌ها و توطئه بسیار سنگین سالیان متمادی جنگ روانی برای چنا کردن آنان از نظام... که به عنوان استراتژی آمریکا و اسرائیل و اروپا و همه‌پیمانان، سال‌هاست پیگیری می‌شود، به‌گونه‌ای در میدان دفاع از کشور و بالطبع نظام حضور پیدا کردند که جرئت همگان از دوست و دشمن و تحسین ناظران را برانگیخت. آینه‌تاله خنمانه در سپاسگزاری از مردم این تعبیر «هزار بار تشکر» استفاده کردند. بسیار خیر، این حضور وایست یکی از دستاوردهایش تجدیدنظر منطقی و اندیشیده و سنجیده در برخی راهبردها، سیاست‌ها و کاهش وزن سنگین سیاست باشد. مردم بایستی نشانه‌هایی را ببینند که مطلقاً برای نظام هزینه‌ای بربر ندارد، بلکه برعکس تداوم او شیوه‌ها خسارت‌بار و هزینه‌افزاینده است. به دو مورد متخص در کاهش سنگینی وزن سیاست اشاره می‌کنم.

یکم:نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری و خبرگان، پس به‌گونه‌ای که اعمال شده است: قایل دفاع فنی است. دوم: برپه منتقدان، حتی اگر زبان زنر و تندی هم داشته باشند، که دارند، اما می‌دانیم که افراد مستقل و دلسوزی هستند. جای اینان در زندان نیست. آنان که به هر ترتیب حرفشان را می‌زنند، چنان‌ا نگه‌داشتن آنان در زندان پرایشان اعتبار و مشروعیت واقعی تداوم ناخواسته ایجاد کنیم که نشان به نقد نظر و برای آرای «پروابط»؟ باید از نویسنده این متن پرسید که قدرشناسی از پایدردی مردم، چه ربطی به برداشتن نظارت انتظامی از آزاد کردن مجرمانی دارد که بعضی از آنها مرتکب وطن‌فرشی قطعی شده‌اند!

اما مهاجرانی در موقعیتی از مجرمیت ایستاده که کسی باید شفاعت خود او را بکند، نه اینکه با وجود سوابق قوی‌اش، خیات، تازه هوشیار نسخه هم بپیچد. وزیر ارشاد دولت خاتمی، اواخر مسئولیت ادا کرد از سیاست تکرار می‌کرد: او مدعی شد آمدنش به میدان سیاست، به خاطر شیر درازگوشی بوده که به او خرورده‌اند، «سیاست در کام من در این می‌سایلی، علم طمیر درازگوش می‌دهد که چراعه‌های آن را در دهه اول عمر نوشیدم»ام و بی‌زنی کولی و طالع‌بین در جام جراح‌نماي چشمشان کیودش انگار مثل پیژرنی که نقش خشت خام را می‌خواند، از پیشانی‌ای خواند که وکیل و وزیر می‌شوم»

سیاسی، مباحثی درباره اختلاف‌خواندگی وی سر زبان‌ها افتاد و مدتی بعد، خبر آمد که مهاجرانی در لندن اقامت گزیده است. امکانات مالی گسترده و تأمین هزینه‌های مسکن... موجب شد تا مدای جاسوس کارکنشاهی مثل نوریزاده درایید که مهاجرانی، بدون کمک چگونه می‌تواند در لندن اقامت کند؟ مدتی بعد، لندن درخواست مهاجرانی از سفارت موساد برای ابر بورس کرد. پسرش منتشر شد. دولت عربستان، آذرماه ۱۳۹۱ موسسه‌ا را در وین تحت عنوان «مركز گفتگوی ادیان» با پرداخت سالانه ۱۵میلیون یورو تاسیس کرد که سال ۱۳۸۸، هنگامی که فتنه سبز طبق نقشه آمریکا، انگلیس و اسرائیل رخ داد، مهاجرانی به سیاست برگشت، اما این‌بار به مراتب افراطی‌تر. او «اتاق فکر جنبش شمس در خارج کشور» را در لندن را با حضور سروش، کدیور، بازرگان و گنجی تشکیل داد.

مهاجرانی این روز به خدمت سبز طبق نقشه آمریکا درآمده بود که با دروغ بزرگ تقلب، و برای آشوب شروع علیه رای ۲۴/۵ میلیون مردم (در مقابل رای ۱۱میلیونی ناصحان اصلاح‌طلبان) به خط شده بودند. حتی خاتمی هم بارها به دروغ بودن ادعای تقلب اتان کرد، اما بر مبنای همان دروغ، خسارات سیاسی و امنیتی و اقتصادی بزرگی به کشور وارد آمد. سردرمان‌ده فتنه، هر کدام در این جنایت بزرگ سهم داشتند.

فردی با این مختصات طبیعتاً باید محاکمه و مجازات شود، نه اینکه در روزنامه دولتی ایران دست به قلم شود و خواستار آزادی مجرمان امنیتی و حذف نظارت بر انتخابات شود.

منظور این طیف از حذف نظارت استصوابی چیست؟ مگر نه اینکه از خاتمی و موسوی و معین تا روحانی و همتی و پزشکان در گود انتخابات حاضر بوده‌اند و برخی از همین‌ها هزینه‌های هنگفتی به کشور تحمیل کرده‌اند؟! دنبال کدام گزینه بوده‌اند که توبر نگرده باشند؟

مردم در جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی پایدردی کرده و در مقابل جنگ ترکیبی برای آزادسازی ایستادند. این مردم شریف و شجاع و باغشور و پاک سیاست‌بازانی که در اتواع فتنه‌ها، مَهره بازی CIA و موساد و M۱۶ شدند، کجا!

اخبار کشور

هشدار عراقچی به آمریکایی‌ها:

بود و با اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده کار می‌کند.

هرگز به زبان تهدید و ارباب پاسخ نخواهد داد، دعوان کرد:د ایرانیان هرگز در برابر بیگانگان سر خم نکرده‌اند و تنها به احترام پاسخ می‌دهند.

وزیر خارجه با اشاره به تجاوز نظامی

آمریکایی‌هایی علیه ایران با همراهی آمریکا افزود: ایران دقیقاً می‌داند در جریان تجاوز اخیر آمریکایی- اسرائیلی چه بر سر ما و چه بر سر دشمنانمان آمده است، از جمله میزان ضرباتی که هنوز سانسور می‌شوند.

رئیس دستگاه دیپلماسی که پیش‌از این نیز نسبت به هرگونه ماجراجویی با سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی هشدار داده بود، امشب به صراحت اعلام کرد:اگر این تجاوز تکرار شود،بیون تردید واکنشی قاطع تر نشان خواهیم داد، واکنشی که دیگر امکان پنهان کردنش وجود نخواهد داشت.

عراقچی با اشاره به نیازهای ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای خاطر نشان کرد: پیش از آن که میلیون ایرانی به رادیوایزوتوپ‌های پزشکی نیاز دارند که توسط راکتور تحقیقاتی تهران تولید می‌شود، راکتوری که آمریکا سازنده آن کند

محکومیت ۴۸ میلیارد دلاری آمریکا به‌نفع خانواده‌های شهدای مدافع حرم

بین‌المللی پاسخگو نبوده‌اند. حمدی با اشاره به احضار افراد حقیقی و حقوقی اظهار داشت: صورت‌های حقوقی ایران پرورده، گفت: از دولت آمریکا وزارت دفاع این کشور، سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) و حتی رؤسای جمهور سابق آمریکا از جمله دونالد ترامپ و رئیس‌جمهور فعلی، با ابلاغ قانونی برای حضور در دادگاه دعوت به‌عمل آمد، در این جنایت نیز هیچ‌کد در محام

است که می‌تواند حجم خسارات را بالاآز اعلام کند. به گزارش تسنیم، با پایان جنگ اخیر، حدود ۴۱۶۵۱۱۵۱ خسارت به شرکتهای بیمه سیزم‌های اشغالی ارائه شد. از بین این‌ها ۲۲۲۴۵ خسارت برای خسارت به ساختمان، ۴۱۱۹۱ ثبت شکایات برای خسارت به اتومبیل و ۴۴۵۶ ثبت شکایات برای خسارت به وسایل و تجهیزات بوده است. در این گزارش ویدئوی اثر و حجم خسارت وارده به برخی از شهرک‌نشینان صهیونیست به نمایش درآمده است.

است که می‌تواند حجم خسارات را بالاآز اعلام کند. به گزارش تسنیم، با پایان جنگ اخیر، حدود ۴۱۶۵۱۱۵۱ خسارت به شرکتهای بیمه سیزم‌های اشغالی ارائه شد. از بین این‌ها ۲۲۲۴۵ خسارت برای خسارت به ساختمان، ۴۱۱۹۱ ثبت شکایات برای خسارت به اتومبیل و ۴۴۵۶ ثبت شکایات برای خسارت به وسایل و تجهیزات بوده است. در این گزارش ویدئوی اثر و حجم خسارت وارده به برخی از شهرک‌نشینان صهیونیست به نمایش درآمده است.

است که می‌تواند حجم خسارات را بالاآز اعلام کند. به گزارش تسنیم، با پایان جنگ اخیر، حدود ۴۱۶۵۱۱۵۱ خسارت به شرکتهای بیمه سیزم‌های اشغالی ارائه شد. از بین این‌ها ۲۲۲۴۵ خسارت برای خسارت به ساختمان، ۴۱۱۹۱ ثبت شکایات برای خسارت به اتومبیل و ۴۴۵۶ ثبت شکایات برای خسارت به وسایل و تجهیزات بوده است. در این گزارش ویدئوی اثر و حجم خسارت وارده به برخی از شهرک‌نشینان صهیونیست به نمایش درآمده است.

آقای مهاجرانی!

مردم شریف کلبه می‌های CIA و M۱6 کجا؟
«اگر می‌خواهید از پایدردی مردم در دفاع از کشور و نظام شتد کنید، راحت است: اول نظارت استصوابی را برچینید و دوم زندانیان سیاسی را آزاد کنید»!

اول مطلب را عطاالله مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت خاتمی در روزنامه ایران نوشت و افزود: «سرانجام صدام حسین و قذافی و خاندان اسد و خاندان پهلوی و نظام شوروی، به دلیل سنگین بودن وزن سیاست زندگی مردم بود. مردم در دفاع به خیابان نیامدند. ما در ایران و در نظام جمهوری اسلامی می‌بایست از این پنج سرنوشت عبرت بگیریم.

مردم ایران به‌رم همه نارسایی‌ها، ناترازی‌ها، از‌دگی‌ها و توطئه بسیار سنگین سالیان متمادی جنگ روانی برای چنا کردن آنان از نظام... که به عنوان استراتژی آمریکا و اسرائیل و اروپا و همه‌پیمانان، سال‌هاست پیگیری می‌شود، به‌گونه‌ای در میدان دفاع از کشور و بالطبع نظام حضور پیدا کردند که جرئت همگان از دوست و دشمن و تحسین ناظران را برانگیخت. آینه‌تاله خنمانه در سپاسگزاری از مردم این تعبیر «هزار بار تشکر» استفاده کردند. بسیار خیر، این حضور وایست یکی از دستاوردهایش تجدیدنظر منطقی و اندیشیده و سنجیده در برخی راهبردها، سیاست‌ها و کاهش وزن سنگین سیاست باشد. مردم بایستی نشانه‌هایی را ببینند که مطلقاً برای نظام هزینه‌ای بربر ندارد، بلکه برعکس تداوم او شیوه‌ها خسارت‌بار و هزینه‌افزاینده است. به دو مورد متخص در کاهش سنگینی وزن سیاست اشاره می‌کنم.

یکم:نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری و خبرگان، پس به‌گونه‌ای که اعمال شده است: قایل دفاع فنی است. دوم: برپه منتقدان، حتی اگر زبان زنر و تندی هم داشته باشند، که دارند، اما می‌دانیم که افراد مستقل و دلسوزی هستند. جای اینان در زندان نیست. آنان که به هر ترتیب حرفشان را می‌زنند، چنان‌ا نگه‌داشتن آنان در زندان پرایشان اعتبار و مشروعیت واقعی تداوم ناخواسته ایجاد کنیم که نشان به نقد نظر و برای آرای «پروابط»؟ باید از نویسنده این متن پرسید که قدرشناسی از پایدردی مردم، چه ربطی به برداشتن نظارت انتظامی از آزاد کردن مجرمانی دارد که بعضی از آنها مرتکب وطن‌فرشی قطعی شده‌اند!

اما مهاجرانی در موقعیتی از مجرمیت ایستاده که کسی باید شفاعت خود او را بکند، نه اینکه با وجود سوابق قوی‌اش، خیات، تازه هوشیار نسخه هم بپیچد. وزیر ارشاد دولت خاتمی، اواخر مسئولیت ادا کرد از سیاست تکرار می‌کرد: او مدعی شد آمدنش به میدان سیاست، به خاطر شیر درازگوشی بوده که به او خرورده‌اند، «سیاست در کام من در این می‌سایلی، علم طمیر درازگوش می‌دهد که چراعه‌های آن را در دهه اول عمر نوشیدم»ام و بی‌زنی کولی و طالع‌بین در جام جراح‌نماي چشمشان کیودش انگار مثل پیژرنی که نقش خشت خام را می‌خواند، از پیشانی‌ای خواند که وکیل و وزیر می‌شوم»

سیاسی، مباحثی درباره اختلاف‌خواندگی وی سر زبان‌ها افتاد و مدتی بعد، خبر آمد که مهاجرانی در لندن اقامت گزیده است. امکانات مالی گسترده و تأمین هزینه‌های مسکن... موجب شد تا مدای جاسوس کارکنشاهی مثل نوریزاده درایید که مهاجرانی، بدون کمک چگونه می‌تواند در لندن اقامت کند؟ مدتی بعد، لندن درخواست مهاجرانی از سفارت موساد برای ابر بورس کرد. پسرش منتشر شد. دولت عربستان، آذرماه ۱۳۹۱ موسسه‌ا را در وین تحت عنوان «مركز گفتگوی ادیان» با پرداخت سالانه ۱۵میلیون یورو تاسیس کرد که سال ۱۳۸۸، هنگامی که فتنه سبز طبق نقشه آمریکا، انگلیس و اسرائیل رخ داد، مهاجرانی به سیاست برگشت، اما این‌بار به مراتب افراطی‌تر. او «اتاق فکر جنبش شمس در خارج کشور» را در لندن را با حضور سروش، کدیور، بازرگان و گنجی تشکیل داد.

مهاجرانی این روز به خدمت سبز طبق نقشه آمریکا درآمده بود که با دروغ بزرگ تقلب، و برای آشوب شروع علیه رای ۲۴/۵ میلیون مردم (در مقابل رای ۱۱میلیونی ناصحان اصلاح‌طلبان) به خط شده بودند. حتی خاتمی هم بارها به دروغ بودن ادعای تقلب اتان کرد، اما بر مبنای همان دروغ، خسارات سیاسی و امنیتی و اقتصادی بزرگی به کشور وارد آمد. سردرمان‌ده فتنه، هر کدام در این جنایت بزرگ سهم داشتند.

فردی با این مختصات طبیعتاً باید محاکمه و مجازات شود، نه اینکه در روزنامه دولتی ایران دست به قلم شود و خواستار آزادی مجرمان امنیتی و حذف نظارت بر انتخابات شود.

منظور این طیف از حذف نظارت استصوابی چیست؟ مگر نه اینکه از خاتمی و موسوی و معین تا روحانی و همتی و پزشکان در گود انتخابات حاضر بوده‌اند و برخی از همین‌ها هزینه‌های هنگفتی به کشور تحمیل کرده‌اند؟! دنبال کدام گزینه بوده‌اند که توبر نگرده باشند؟